

## گفت‌وگو با محمدرضا اردلان کارگردان فیلم سینمایی «فریاد» «فریاد» در ژانر وسترن قابل تعریف است

احمد محمد اسماعیلی  
گفت و گو

سالها است که اغلب فیلم‌های غافلگیر کننده و خوب در جشنواره فیلم فجر توسط فیلم اولی‌ها کارگردانی می‌شود و حضورشان امید به آینده را در سینمای ایران دو چندان می‌کند. محمدرضا اردلان یکی از این جوانها است که بعد از تجربه اندوزی در ساخت فیلم کوتاه با فیلم اولش در جشنواره فجر حضور دارد. فیلمی که از محیط شهری دور شده و مخاطب را به دل فضای طبیعت و بیابان در فضای وسترن گونه می‌برد. با اردلان درباره ساخت فیلمش که امروز در سانس سوم سینمای رسانه به نمایش در می‌آید گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

سری لوکیشن‌های حاشیه‌ای (زمین پشت مرغداری، قبرستانی) فضای کارم را شکل بدهم.

### آیا لوکیشن‌ها را پیدا کردید و یا ساخت و ساز انجام دادید؟

دو سه سالی دنبال پیدا کردن لوکیشن بودم و کل مرغداری‌های کرمانشاه و کردستان را گشتم و به ۱۲ لوکیشن رسیدیم و قبل از پیش تولید به همراه طراح صحنه و فیلمبردار رفتیم این ۱۲ لوکیشن را دوباره دیدیم و در نهایت مرغداری انتخاب شد که بافت سنگی داشت و عمر شش دهه‌ای داشت و طراح صحنه به سراغ بازسازی اش رفت.

### آیا بهتر نبود از صفر تا صد مرغداری را برای راحتی کار می‌ساختید؟

بودجه‌ای برای این کار نداشتیم و تلاش کردم فضای مورد نظرم تا حد زیادی به دست بیاید. طراح صحنه کاملاً

روی لوکیشن کار کرد و تپه‌های را که در فیلم می‌بینیم تغییرات زیادی در آن اعمال کرد تا به چیز مورد نظر برسد و این کار طراحی و (چاه زدن و سنگ چین کردن محیط اطراف) کارسختی بود. حتی در طول کار دو دستیار طراح دچار

### آیا لوکیشن و فضا در فیلم فریاد یکی از اجزا پیش برنده درام است؟

بله، این تحلیل درست است. خط سیر درام ما با حضور شخصیتها در مرغداری آغاز می‌شود.

### آیا دلیل خاصی داشت که لوکیشن اصلی فیلم یک مرغداری است؟

در محل زندگی‌ام (روانسر استان کرمانشاه) کارگاههای صنعتی کوچکی وجود دارد که اغلبشان به تولید مرغ مشغول هستند و در دوره‌ای با حمایت دولت و اختصاص وام و دادن سوبسید کارشان رونق خوبی داشت و در حال افزایش بودند. من این کارگاههای مرغداری را می‌دیدم و برایم جذاب بود و ذهنم را به خودش مشغول کرد که به عنوان لوکیشن از آنها استفاده کنم.

### فضای مرغداری و اتفاق بین شخصیتها بستر مناسبی را برای خلق داستان در اختیار شما قرار داد؟

اغلب مرغداری‌ها در مکان‌هایی دور افتاده‌ای و از شهر فاصله دارند و محیط قائم به ذاتی دارند که می‌توان تعدادی شخصیت را در این محیط جمع کرد و ماجرا و داستان فیلم‌تان را در آنجا روایت کنید. البته این مسئله پیشینه‌های دیگری هم داشت. در دوران کودکی و سال‌های آخر دوران شبه فئودالیسم در اوایل دهه شصت عمومی پدرم که از خان‌های منطقه روانسر بود مرغداری کوچکی داشت و به همراه سایر بچه‌های فامیل به آنجا می‌رفتیم و خاطره‌های زیادی در ته ذهنم نسبت به آنجا رسوب کرد.

### یکی از امتیازات این نوع لوکیشن‌ها جمع و جور بودنشان است و کارگردان می‌تواند به راحتی در آنجا فضای مورد نظرش را خلق کند؟ درست است. تلاش کردم با تک لوکیشن و یک

حادثه و عقب‌گزدیگی شدند. حالا که فیلم تمام شده و از آن فاصله گرفته‌ام و از انتخاب‌هایم به خصوص در حوزه طراحی هنری و مدیر فیلمبرداری بسیار رضایت دارم. طراح هنری فیلم به خصوص در زمینه کهنه کاری‌های لوکیشن و در آوردن فضای چرک استاد و خیره است. به هر حال در ادامه بحث قبلی در زمان پیش تولید به همراه طراح و فیلمبردار بهترین انتخابها را انجام دادم. نتیجه رنگ، لوک و فضای مرغداری و پشت مرغداری و چاه بسیار درست از کار درآمد.

### آیا در حوزه لوکیشن به آنچه که در ذهن داشتید به طور کامل دست پیدا کردید؟

تا حد زیادی به اهدافم رسیدیم و البته اگر بودجه بیشتری داشتیم قطعاً کیفیت کار بالاتر می‌شد.

### یکی از چالش‌های فیلمهای لوکیشن محور این است که مخاطب ممکن است بعد از دیدن لحظاتی از فیلم احساس خستگی کند. برای دوری از چنین وضعیتی چه تمهیدی به کار بردید؟

به این مسئله هم فکر کرده بودم و حین نوشتن فیلمنامه بابت این قضیه و اینکه لوکیشن محدود و تعداد اندک شخصیتها در کار وجود دارد نگران بودم و تمهیداتی مثل اضافه کردن برخی از المان‌ها و چند حیوان (سگ) را اضافه کردم تا مخاطب پای دیدن فیلم بنشیند. در چند نمایش خصوصی که داشتیم باز خورد‌ها بابت این مسئله مثبت بود و همه مخاطبان تا آخر فیلم را دیدند.

### آیا کار با حیوانات در سینمای ایران کار دشواری است؟

بله، بابت این قضیه خیلی سختی متحمل شدیم. برای این کار عباس ایوبی به ما کمک کرد و سگها را از منطقه‌ای از قزوین به لوکیشن آورد و البته در تدوین چند سکنس حضور سگ‌ها از فیلم کم شد تا زمان فیلم کوتاه‌تر شود، اما این سگها ارتباط عمیقی با شخصیت اصلی فیلم دارند و کمک زیادی برای زنده بودن فضا و حس و حال پلان‌ها کردند و بازی سگ‌های فیلم معرکه است. سگ‌های فیلم از نژاد ژرمن شپرد و تازی ایرانی بودند.

### فضای فیلم مردانه است، تعریف درام در این نوع فضا چگونه است؟

در فیلم شخصیت زنی وجود ندارد و در حقیقت در فیلم شاهد یک تلفیق ژانری (وسترن - اجتماعی) هستیم و شخصیت اصلی فیلم کودکی است که وارد یک سری تنش‌های ناخواسته در مرغداری می‌شود و در انتها با نگرش جدیدی در هیبت یک قهرمان مرغداری را ترک می‌کند. قصه اصلی ما هم قصه سیر بلوغ این نوجوان است و پروسه دور شدنش از یک قربانی را می‌بینیم. کودکی که از عراق آمده و در این مرغداری جانش به خطر می‌افتد.



## همراه هنر ایران زمین

اطلاعات فیلم‌ها و مسابقه #۱۴۰۳\*



هوادولک  
MCI

